

اَنبِيَا سَلَمٌ لِمَن سَلَمْتُمْ وَ حَرْبٌ لِمَن حَارَبْتُمْ

# در اسلام

# توکی و تبری

سید محمود طاهری

## اشاره

آیا دین مقدس اسلام محبت و رزیدنها و بیزاری جستنها را نیز نظام مند کرده و چارچوبی برایش قرار داده است؟ آیا توکی و تبری نیز مانند هر کشش درونی و غریزی دیگر انسان، به اصلاح، تعدیل و پرورش نیازمند است؟

آیا محبت و رزیدنها و بیزاری جستنها در اصلاح شخصیت انسانها و فرهنگ سازی جامعه اثرگذار است؟ و سرانجام آنکه از نگاه آموزه های دینی، ما به چه کسانی می توانیم

هر انسانی دلش می خواهد به بعضی محبت ورزد و آنان را دوست داشته باشد، و در مقابل از بعضی بیزاری جوید، دوری گزیند و آنها را دوست نداشته باشد.

آیا از نگاه آموزه های دینی، یک مسلمان می تواند به هر که دلش خواست محبت ورزد و تولکای او را در دل داشته باشد، و در مقابل از هر که دلش خواست بیزاری و تبری جوید؟

از تدبّر در این کتاب مقدس به دست می‌آید این است که از نظر اسلام دو نوع «ولاء» وجود دارد: منفی و مثبت؛ یعنی از طرفی مسلمانان، مأموریت دارند که نوعی «ولاء» را نپذیرند و ترک کنند، و از سوی دیگر دعوت شده‌اند که ولای دیگری را دارا باشند و بدان اهتمام ورزند.<sup>۱</sup>

«تبری» از ماده «تبرئ» به معنای دوری از هر نقص و عیب و کناره‌گیری از چیزی است که انسان از نزدیک شدن به آن تنفر دارد. کسی که از مرضی شفا می‌یابد، می‌گوید: «بَرَأْتُ مِنَ الْمَرَضِ؛ از بیماری رها شدم» یا وقتی با کسی قطع رابطه می‌کند، می‌گوید: «بَرَأْتُ مِنْ فُلَانٍ؛ از او دوری جسته و کناره گرفتم».<sup>۲</sup>

۱. ولایها و ولایتها، شهید مطهری، تهران، صدرا، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۳، ۱۴ و ۱۶.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، مترجم: سیدمحمد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ش، ج ۹، ص ۲۲۶.

محبت و رزیم و تولّای آنها را در دل داشته باشیم، و از آن سو از چه کسانی باید بیزاری بجوییم و از آنها تبری بورزیم؟

نوشتار زیر عهده دار پاسخ به این سؤالها خواهد بود.

### مفهوم شناسی تولّی و تبری

واژه «تولّی» از «ولی» مشتق شده است. معنای اصلی این کلمه، قرار گرفتن چیزی در کنسار چیز دیگر است؛ به گونه‌ای که فاصله‌ای در کار نباشد؛ یعنی اگر دو چیز آن چنان به هم متصل باشند که هیچ چیز دیگر در میان آنها نباشد، ماده «ولی» استعمال می‌شود. از اینرو به طور طبیعی، این کلمه درباره محبت، دوستی، یاری و معانی دیگر از این قبیل استعمال شده است.

قرآن از ولای، موالات و تولّی، بسیار سخن گفته است. در این کتاب بزرگ آسمانی، مسائلی تحت این عناوین مطرح است. آنچه در مجموع

موجودیت و بقای خویش، ناگزیر از این قانون پیروی می‌کند. استاد شهید مرتضی مطهری رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد:

«قانون جذب و دفع یک قانون عمومی است که بر سرتاسر نظام آفرینش حکومت می‌کند. از نظر جوامع علمی امروز بشر، مسلم است که هیچ ذره‌ای از ذرات جهان هستی از دایره حکومت جاذبه عمومی خارج نبوده، همه محکوم آن‌اند. از بزرگ‌ترین اجسام و اجرام عالم تا کوچک‌ترین ذرات آن دارای این نیروی مرموز به نام نیروی جاذبه هستند و هم به نحوی تحت تأثیر آن می‌باشند.

در نباتات و حیوانات نیز همه قائل به قوه جاذبه و دافعه بوده‌اند، به این معنا که آنها را دارای سه قوه اصلی: غذایی، نامیه و مولده می‌دانستند، و برای قوه غذایی، چند

در حدیثی دلنشین از امام صادق علیه السلام، تولّی و تبرّی یا محبت و بیزارى این گونه به تصویر درآمده است: «مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ تَبْغِضَ فِي اللَّهِ وَ تُغْطِيَ فِي اللَّهِ وَ تَمْنَعَ فِي اللَّهِ؛<sup>۱</sup> از محکم‌ترین دستاویزهای ایمان این است که برای خدا دوست بداری و برای خدا بیزار شوی، و برای خدا عطا کنی و برای خدا دریغ داری.»

همسویی با قانون عمومی جذب و دفع جهان هستی، جهان جذب و دفع است، و هر چیزی در آن از جماد گرفته تا نبات و حیوان، همواره اموری را جذب و چیزهایی را نیز دفع می‌کند. بی گمان انسانها نیز از این قاعده مستثنا نخواهند بود و برای همسویی با این قانون عمومی آفرینش (قانون جذب و دفع)، و برای حفظ

۱. اصول کافی، کلینی، ترجمه: سیدجواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، تهران، بی تا، ج ۳، ص ۱۸۹.

قوة فرعی قائل بودند: جاذبه، دافعه، هاضمه و ماسکه. و می گفتند در معده نیروی جذبی است که غذا را به سوی خود می کشد و نیروی دفعی است که غذای زاید را دفع می کند.

در انسانها نیز قسمت عمده‌ای از دوستیها و رفاقتها، و یا دشمنیها و کینه توزیها، همه مظاهری از جذب و دفع انسانی است. به عقیده بعضیها ریشه اصلی این جذب و دفعها؛ نیاز و رفع نیاز است. انسان موجودی نیازمند است، و ذاتاً محتاج آفریده شده، و با فعالیت‌های پیگیر خویش می کوشد تا خلأهای خود را پر کند و حوائجش را برآورد، و این امکان پذیر نیست؛ مگر اینکه به دسته‌ای بپیوندد، و از جمعیتی رشته پیوند را بگسلد، تا بدین وسیله از دسته‌ای بهره گیرد و از زیان دسته دیگر خود را برهاند، و روی این حساب، مصالح حیاتی و ساختمان فطری، انسان را

جاذب و دافع پرورده است، تا با آنچه در آن خیری احساس می کند بجوشد، و آنچه را که با اهداف خویش منافر می بیند از خود دور کند و در حقیقت، جذب و دفع، دو رکن اساسی زندگی بشرند، و به همان مقداری که از آنها کاسته می شود، در نظام زندگی اش، خلل ایجاد می شود.<sup>۱</sup>

استاد آیت الله جوادی آملی در این باره می نویسد:

«دو مرحله جذب و دفع در گیاهان، حیوانات و انسانها وجود دارد. بدین معنا که ناسازگار با خود را دفع، و ملایم با خویش را جذب می کنند. جذب و دفع در سطح طبیعت و نیز در انسانهای عادی، گاه به صورت شهوت و غضب، گاهی به صورت محبت و عداوت، و زمانی به

۱. جاذبه و دافعه علی علیه السلام، شهید مرتضی مطهری، تهران، صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۷، ۱۸ و ۲۱.

می‌کند؛ به گونه‌ای که هیچ عاملی نتواند آنان را از یکدیگر جدا کند، و یک انضباط حزبی برقرار می‌کند؛ زیرا جمعیتی که در اقلیت هستند، ممکن است فکرشان تحت الشعاع فکر اکثریت قرار گیرد، و شخصیتشان در لابه‌لای شخصیتهای بقیه مردم نابود شود. اسلام آنها را برای مبارزه با هضم طبیعی به هم پیوند زده و از سایر جبهه‌ها جدا ساخته است. همچون [یک] عده کوهنورد که باید از یک راه صعب العبور کوهستانی و پر پیچ و خم و گردنه بگذرند تا به قلّه کوه برسند. اینها به همدیگر می‌چسبند و کمرهایشان را به هم محکم می‌بندند که اگر یکی از آنها افتاد، بقیه او را نگه دارند. این حالت، نمایشگر حالت به هم پیوستگی و جوشیدگی شدید مسلمانان است که از آن در قرآن و حدیث به تولّی و تبری تعبیر می‌شود.<sup>۲</sup>

صورت ارادت و کراهت نمایان می‌شود؛ ولی در مؤمنان، رقیق شده آن دو، به صورت تولّی و تبری تجلی می‌کند.<sup>۱</sup>

### کارکرد تولّی و تبری

بی‌گمان همان‌گونه که تولّی در زندگی عملی، نقش‌آفرین است، تبری نیز آثار درخور توجهی در زندگی می‌گذارد. در حقیقت تبری و بیزاری بجا، بسان سپری است که عقیده، شخصیت و فرهنگ انسان را از دستبردهای رهنان ایمن می‌دارد، و شخص را از سرسپردگی و وابستگی در برابر دشمنان خدا حفظ می‌کند؛ همان‌گونه که تولّی به ایجاد جامعه‌ای منسجم می‌انجامد، و ضامن بقای مسلمانان و جامعه اسلامی است.

به تعبیر مقام معظم رهبری «تولّی و تبری، مسلمانان را به هم مرتبط

۲. تولّی و تبری، جعفر وفا، مرکز تحقیقات اسلامی، حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تهران،

۱. صهای حج، عبدالله جوادی آملی، قم، اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۲۹.

### مروری بر مصادیق تولی

#### ۱. تولی به خداوند

موهبت تولی و محبت به  
آفریدگار، یکی از خواسته‌های بزرگ  
پیامبران، رسول خاتم صلوات الله علیه و اولیای  
الهی از خداوند بوده است. رسول  
خاتم صلوات الله علیه در نیایشی زیبا عرض  
می‌کند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ  
يُحِبُّكَ وَ حُبَّ مَا يَقْرُبُنِي إِلَى حُبِّكَ وَ اجْعَلْ  
حُبَّكَ أَحْسَبَ إِلَيَّ مِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ»<sup>۱</sup>  
پروردگارا! روزی‌ام فرما محبت  
خودت و محبت کسی که تو را  
دوست دارد، و محبت هر آنچه که مرا  
به محبت تو نزدیک می‌کند و  
دوستی‌ات را نزد من محبوب‌تر از  
آب خنک و گوارا فرما!»

بی‌گمان، پروردگار جهان که  
سرچشمه زیباییها، دانشها و  
قدرتهاست، شایسته‌ترین محبوب  
برای عشق ورزیدن است. بر همین  
اساس، محبت و عشق به او، بیش از  
هر عشق و محبتی، گره‌گشا، لذت  
بخش و شادی‌آفرین است. امام  
محمد غزالی در این باره می‌نویسد:  
«دوست داشتن خدای، مقصود نهایی  
است از مقامات، و بلندترین قلّه است  
از درجات؛ چه، پس از ادراک محبت  
خدا، مقامی نیست مگر آنکه ثمره‌های  
این محبت و حاصل آن است.»<sup>۲</sup>

بی‌تردید، ثمره‌های تولی به  
خداوند، تنها در لذت فوق العاده قلبی  
و بهجت و سرور روحی آن خلاصه  
نمی‌شود؛ بلکه آنچه در این‌باره  
درخور توجه و تأمل است، اثربخشی

چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۰، به نقل از: ولایت،  
سیدعلی خام‌نه‌ای، ص ۱۴.

۱. المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، فیض  
کاشانی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، دفتر  
انتشارات اسلامی حوزه علمیه، قم، بی تا، ج ۸،

ص ۷.

۲. احیاء علوم الدین، غزالی، ترجمه: مؤید الدین  
محمد خوارزمی، شرکت انتشارات علمی و  
فرهنگی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ ش، ج ۴،

ص ۵۰۷.

خداوند بزرگ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دوست داشته باشد حلاوت ایمان را می‌چشد، و احساس سعادت و آرامش، وجود او را فرا می‌گیرد. دوست داشتن رسول خدا صلی الله علیه و آله از عوامل مهم در تربیت مسلمانان، تقویت وفاداری آنان به اسلام، پایبندی شدیدشان به اصول و آموزه‌های آن، اقتدا به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اجرای دستورهای اوست.<sup>۱</sup>

از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: «یا رسول الله ایمان چیست؟» فرمود: «آن یَکونَ اللهُ ورسولُهُ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِمَّا سِوَاهُمَا؛<sup>۲</sup> اینکه خدا و رسول او از دیگران نزد تو محبوب‌تر باشند.»

فوق‌العاده آن در اصلاح پندار، گفتار و رفتار انسان است. بی‌گمان محبت به خداوند، با بی‌مهری و کینه توزی به بندگان و آفریده‌های او قابل جمع نخواهد بود؛ همان‌گونه که عشق و محبت به آفریدگار با نادیده گرفتن خواسته‌های او جمع نخواهد شد. توصیه و دستور خداوند به بندگان توصیه به آراسته شدن به پاکیزگی و دوری از ناپاکیزگی است، و در این عرصه، آنکه بهره‌ بیشتری از دوستی و تولّای او دارد، توفیق بیشتری خواهد داشت.

## ۲. تولّی و محبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پس از دوست داشتن خداوند، دوست داشتن پیامبر صلی الله علیه و آله در پیشرفته‌ترین و کامل‌ترین مرتبه محبت انسانی قرار دارد. داشتن محبت به خدا و رسول او صلی الله علیه و آله هر دو، قَلْبُهُ محبت انسانی و از نظر روحانیت و زلالی و پاکی، بالاترین درجه آن را تشکیل می‌دهند. هرگاه مؤمن،

۱. حدیث و روان‌شناسی، محمد عثمان نجاتی، ترجمه: حمیدرضا شیخی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش، ص ۷۵.

۲. المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۸، ص ۴.

پس از اسلام چنان شاد شده بودند که بدین سخن.<sup>۲</sup>

۳. تولی و محبت به اهل بیت علیهم السلام

تولی به اهل بیت علیهم السلام و محبت ورزیدن به آنها، یکی از پرفایده‌ترین انواع محبتهاست؛ چرا که هم دنیای انسان را سامان می‌بخشد و هم آخرت او را آباد می‌کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشْكُنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرٌ فِي الْآخِرِ»<sup>۳</sup> هر کس که خداوند، محبت امامان از خاندان مرا روزی‌اش فرماید به خیر دنیا و آخرت دست یافته است، و شک نداشته باشد که اهل بهشت

و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»<sup>۱</sup> بنده مؤمن نمی‌شود، مگر آنکه من پیش او محبوب‌تر از خانواده و مال او و همه مردم باشم.

در حکایتی آمده است که یک اعرابی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: «یا رسول الله! قیامت کی خواهد بود؟» فرمود: «ماذا أعددت لها؛ برای قیامت چه آماده کرده‌ای؟» گفت: «نماز و روزه بسیار نساختم؛ ولی خدای و پیامبر را دوست دارم.» حضرت فرمود: «المرء مع من أحب؛» شخص با کسی است که وی را دوست داشته باشد.» آنس گفت: «مسلمانان را ندیدم که به هیچ چیز

۲. احیاء علوم الدین، ص ۵۰۹ و ۵۱۰.

۳. میزان الحکمة، محمدی ری شهری،

دارالحدیث، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش، ج ۲،

ص ۹۷۳.

۱. همان، ص ۵.



است. دوست داشتن خاندان من بیست فایده دارد، ده فایده در دنیا و ده فایده در آخرت.»

شهید مطهری درباره آثار محبت به اهل بیت علیهم السلام در زندگی انسانها می‌نویسد: «اینکه چرا در موضوع اهل‌البیت علیهم السلام این همه توصیه شده است که مردم به آنها ارادت بورزند، و این ارادت و محبت را وسیله تقرب به خداوند قرار دهند، در پاسخ به این پرسش باید بگوییم: دستورهای اسلامی همه مبنی بر فلسفه و حکمتی است. چنین دستوری که در متن اسلام رسیده است قطعاً باید حکمت و فلسفه‌ای داشته باشد. در حقیقت، ولاء محبت، مقدمه و وسیله‌ای است برای سایر ولاءها. رشته محبت است

که مردم را به اهل‌البیت علیهم السلام پیوند واقعی می‌دهد تا از وجودشان، از آثارشان، از سخنانشان، از تعلیماتشان،

از سیرت و روششان استفاده کنند. عشق و محبت به پاکان و اولیای حق که انسان ساز است، عامل بسیار ارزنده‌ای است برای تربیت و به حرکت درآوردن روحها.»<sup>۱</sup>

جالب آنکه علامه زمخشری، از علمای بزرگ اهل سنت، حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آثار بزرگ تولی و محبت به اهل بیت علیهم السلام در زندگی انسان، نقل کرده است که این‌گونه می‌گوید: «مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبًّا آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبًّا آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبًّا آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبًّا آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلاً لِلْإِيمَانِ ...؟ کسی که بر حب آل محمد بمیرد، شهید مرده است،

۱. ولاءها و ولایتها، شهید مطهری، صدرا، تهران،

چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۸ و ۴۹.

۲. الکشاف، محمود زمخشری، نشر البلاغه، قم،

بی تا، ج ۴، ص ۲۲۰.

دوستی خود را به ایشان تقدیم می‌کنید با اینکه به شریعت حقی که برای شما آمده کفر می‌ورزند، و نیز رسول و شما را بیرون می‌کنند به جرم اینکه به خدا و پروردگارتان ایمان آورده‌اید...<sup>۱۹</sup>

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در

تفسیرالمیزان ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: «اینکه خداوند فرمود: «عَدُوٌّ وَعَدُوٌّكُمْ» و دشمنان خود را در کنار دشمنان مسلمانان قرار داد، نوعی ارزش نهادن بر مؤمنان و شخصیت دادن به آنهاست؛ زیرا مؤمن به محض اینکه می‌بیند خداوند، دشمنان او را در ردیف دشمنان خویش قرار داده و برای خود و بنده‌اش، دشمن مشترکی در نظر گرفته است، احساس شخصیت می‌کند و به ارزش معنوی و ایمانی خود واقف می‌شود.»<sup>۲</sup>

آگاه باشید هر که بر حبّ آل محمد از دنیا رفته باشد، آمرزیده از دنیا رفته است. آگاه باشید هر که با حبّ آل محمد بمیرد، توبه کار از دنیا رفته است، آگاه باشید هر که بر حبّ آل محمد بمیرد، مؤمن و با ایمان کامل از دنیا رفته است...».

مروری بر مصادیق تبری

۱. تبری از دشمنان خدا و مسلمانان

کم‌ترین پیامد دوستی با دشمنان خدا، فاصله گرفتن از خدا به دلیل سرپیچی از دستور اوست. دستور خداوند در این باره چنین است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ...﴾<sup>۱</sup> «ای کسانی که ایمان آوردید! دشمن مرا و دشمن خودتان را دوستان خود مگیرید. آیا مراتب

۲. ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۹،

بی‌گمان همان‌گونه که  
تولی در زندگی عملی،  
نقش‌آفرین است، تبرّی  
نیز آثار درخور توجهی در  
زندگی می‌گذارد. در  
حقیقت تبرّی و بی‌زاری  
بجا، بسان سپری است که  
عقیده، شخصیت و فرهنگ  
انسان را از دستبردهای  
رهزنان ایمن می‌دارد، و  
شخص را از سرسپردگی و  
وابستگی در برابر دشمنان  
خدا حفظ می‌کند

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ  
أَنْ تُحِبَّ أَعْدَاءَ اللَّهِ أَوْ تُصَفِيَ وَذَكَ لِقَبْرِ  
أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَإِنَّ مِنْ أَحَبِّ قَوْمًا خَيْرَ مَعَهُمْ»<sup>۱</sup>

بپرهیز از اینکه دشمنان خدا را دوست  
بسداری، یا اینکه دوستی خود را  
خالص کنی برای غیر دوستان خدا؛  
پس همانا هر که قومی را دوست  
داشته باشد با آنها محشور می‌شود.<sup>۲</sup>

۲. تبرّی از کافران

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا  
الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ  
أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا  
مُبِينًا»؛<sup>۳</sup> ای مؤمنان! کفار را به جای  
مؤمنان، دوستان خود مگیرید. آیا  
می‌خواهید برای خدا بر خودتان  
سلطه روشنی قرار دهید.

«اگر شما بخواهید با آنان ارتباط  
دوستانه برقرار کنید، خدا شما را  
محکوم و تحت سلطه دیگران قرار  
خواهد داد. اگر می‌خواهید خدا  
دشمن شما نباشد و سلطه‌ای علیه  
شما ایجاد نکند، این کار را نکنید.»<sup>۳</sup>

۲. نساء/۱۴۴.

۳. مشکاة، مصباح یزدی، مرکز انتشارات مؤسسه  
آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ  
اول، ۱۳۸۴ ش، ج ۳، ص ۱۱۱.

۱. غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، انتشارات  
دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ ش،  
ج ۲، ص ۳۰۶.

أُولِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْيَتُّفُونَ عِنْدَهُمْ  
 الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً»<sup>۳</sup> آنان که به  
 جای مؤمنان، کافران را دوست خود  
 می‌گیرند، آیا می‌خواهند نزد آنان  
 عزت و احترامی برای خود کسب  
 کنند؟ بدانند که هر عزتی مخصوص  
 خداست.»

۳. تبری از مسخره کنندگان دین  
 یکی از گروههایی که خداوند،  
 مسلمانان را از دوستی با آنان  
 بازداشته است کسانی هستند که دین  
 را به مسخره می‌گیرند. در قرآن کریم  
 در این باره می‌خوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
 آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا  
 وَلَعِينًا...﴾؛<sup>۴</sup> ای مؤمنان! کسانی را که  
 دین شما را مسخره می‌کنند و به بازی  
 می‌گیرند به دوستی مگیرید.»

«در حقیقت، مسلمانی که برای  
 خویشتن، عزت و کرامت قائل است،

با توجه به اینکه خداوند در آیه  
 بعد می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ  
 الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا﴾؛<sup>۱</sup>  
 «همانا منافقان در پایین‌ترین درجه  
 آتش هستند و هرگز برایشان یآوری  
 نخواهی یافت»، فهمیده می‌شود که  
 خداوند سبحان، این کار (ارتباط  
 دوستانه با کافران و پیوستن به آنها) را  
 نفاق می‌شمارد و مؤمنان را می‌ترساند  
 که در آن نیفتند. خداوند، مؤمنان را  
 موعظه می‌کند که به این مرز نزدیک  
 و متعرض سخط خدا نشوند و برای  
 خدا علیه خودشان، دلیل واضحی قرار  
 ندهند که خدا آنها را گمراه سازد و  
 در زندگی دنیا در حال تردید و دو  
 دلی قرار دهد و بعداً هم در جهنم  
 آنان و کفار را گرد هم آرد.»<sup>۲</sup>

خداوند در آیه دیگری در این باره  
 می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ

۱. نساء / ۱۴۵.

۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۵، ص ۱۸۷.

۳. نساء / ۱۳۹.

۴. مائده / ۵۷.

«رفاعه» و «سويد» به حضور پیامبر اکرم ﷺ شرفیاب گردیده و اسلام آوردند؛ اما پس از آن روشن گردید که ایمانشان به ظاهر و زبان بوده، و در دل نفاق داشتند. با این وصف برخی از مسلمانان، آنان را به دوستی برگرفته بودند که این آیه شریفه در هشدار به آنان فرود آمد تا با چنین کسانی که دینشان را به مسخره می گیرند، طرح دوستی نریزند.<sup>۲</sup>

۴. تبرّی از پدران و برادرانی که کفر را بر ایمان برگزیده اند

انسانها به طور طبیعی و غریزی و به دلیل همخونی، پدران، فرزندان، برادران و همسران خود را دوست دارند و به آنها محبت می کنند. این محبت، گاهی به دلیل انحراف این دسته از بستگان از مسیر ایمان در

هرگز نسبت به کسانی که به آیینش توهین می کنند و عبادت و نمازش را مورد اهانت قرار می دهند رابطه دوستانه برقرار نمی کند و محبت آنها را به دل راه نمی دهد. البته اسلام، رفتار زیبا را با گروههایی از این دست نفی نمی کند؛ ولی در عین حال از دوستی با آنان باز می دارد؛ چرا که بزرگواری و بزرگ منشی و زیبا رفتار کردن، مسئله اخلاق و رفتار است؛ اما دوستی، مسئله عقیده و مسئله تنظیم و سر و ساماندهی است، مسئله همیاری است و مسلمان هرگز با آنان که دین او را به مسخره می گیرند همیاری نمی کند، و عقیده خود را بر اساس همیاری شکل نمی دهد.<sup>۱</sup>

«درباره شأن نزول آیه یاد شده ابن عباس می گوید: دو تن، به نامهای

۲. ترجمه تفسیر مجمع البیان، طبرسی، تحقیق و نگارش: علی کرمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش، ج ۳، ص ۷۶۲.

۱. فی ظلال القرآن، سید قطب، ترجمه: دکتر مصطفی خرم دل، احسان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش، ج ۲، ص ۴۸۶.

تعارض با محبت خداوند قرار می‌گیرد. از یک سو محبت قلبی نسبت به آنها خارج از اختیار انسان است و از سوی دیگر باید بین محبت آنها - آن گاه که ایمان وا می‌نهند و به سوی کفر می‌روند - و محبت خداوند، یکی را انتخاب کرد. فرمان خداوند به انسانهایی که در مسیر این دو راهی قرار گرفتند، این است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ  
وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى  
الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ  
الظَّالِمُونَ﴾<sup>۱</sup> «ای مؤمنان! پدران و  
برادران [و هر یک از خویشاوندان  
دیگر را] به دوستی نگیرید در آنجا  
که کفر را بر ایمان ترجیح دهند و هر  
که از شما آنان را به دوستی گیرد  
پس، از ستمکاران است.»

«روند قرآنی به بررسی انواع رابطه  
ها و پیوندها و حرصها و آزاها و لذتها

و خوشیها می‌پردازد تا آنها را در  
کفّ‌ای بگذارد، و عقیده و مقتضیات  
آن را در کفّ دیگری بگذارد. پدران و  
برادران و دوستان و همسران و  
شوهران و عشیره و قبیله و اموال و  
دارایی، اینها همه در یک کفّ ترازو  
گذاشته می‌شود، و در کفّ دیگر این  
ترازو عشق و محبت به خدا و  
پیغمبرش نهاده می‌شد. از نگاه قرآنی،  
همواره کفّ‌ای که در آن عشق و  
محبت به خدا و رسولش قرار دارد،  
سنگین‌تر از کفّ دیگری است. پس،  
هیچ گاه نباید این کفّ را بر کفّ دیگر  
ترجیح داد.»<sup>۲</sup>

«طبیعی است که هر کسی با افراد  
خانواده خود و بستگان رابطه عاطفی  
دارد، و مایل نیست از آنان جدا شود  
یا رو در روی آنان بایستد؛ اما اگر  
آنان رو در روی خدا و پیغمبر قرار  
گرفتند، انسان نباید تحت تأثیر این  
عواطف قرار گیرد. اگر در این دو

راهی، اعضای خانواده و بستگان را برگزیدیم و آنان را محبوب تر داشتیم، رابطه ما با خداوند قطع خواهد شد.<sup>۱</sup>

### روابط دوستانه با کفار بی آزار

شکی نیست که با جامعه‌ای که دشمن جامعه اسلامی باشد و بخواهد مصالح مادی و معنوی مسلمانان را تهدید کند نباید روابط دوستانه داشته باشیم، اما اگر با مصالح معنوی ما کاری نداشته باشند، و به سبب منافع خودشان با مسلمانان روابط برقرار کنند - که طبعاً برای جامعه اسلامی هم منافع مادی در بر خواهد داشت - چنین جامعه‌ای هر چند کافر باشند، مسلمانان نباید به دشمنی با آنان برخیزند.<sup>۲</sup>

خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ

يُقَاتِلوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾<sup>۳</sup> «خداوند شما را نهی نمی‌کند از اینکه با کسانی که با شما بر سر دین نجنگیده‌اند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نکرده‌اند، مودت و دوستی کنید و به عدالت با آنها رفتار کنید که خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد. همانا خدا شما را نهی می‌کند از اینکه با کسانی که با شما بر سر دین جنگیده‌اند و شما را از خانه‌هایتان بیرون کرده‌اند و در بیرون راندن شما با همدیگر هم پستی کردند، دوستی کنید و کسی که با چنین کسانی دوستی کند، از ستمکاران خواهد بود.»

۱. مشکاة، ج ۳، ص ۱۱۳.

۲. مشکاة، ج ۳، ص ۱۱۷.

۳. ممتحنه / ۸ و ۹.